

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

برگرفته از: نیو ایسترن آوتلوک
نویسنده: سلمان رفیع شیخ
برگردان: م. قربانی
۰۳ جون ۲۰۲۵

چگونه جنگ هند و پاکستان بر نظم سیاسی منطقه و جهان تأثیر خواهد گذاشت

جنگ اخیر هند و پاکستان، اگرچه دامنه محدودی داشت، اما با به نمایش گذاشتن برتری نظامی چین و برانگیختن ارزیابی مجدد ستراتیژیک در واشینگتن، بازتاب‌های ژئوپلیتیکی قابل توجهی را به همراه داشته است.

زاویه نگاه چین در ژئوپولیتیک منطقه‌ای

گذشته از لفاظی‌های مکرر مبنی بر این‌که رابطه پاکستان و چین «در هر شرایطی»، «آهنین» است، جنگ اخیر هند و پاکستان ممکن است در عمل به عنوان اولین نمایش بزرگ آن تلقی شود. استفاده پاکستان از راکت‌های پی‌ال-۱۵ چینی که از جنگنده‌های جی-۱۰ اسی ساخت چین برای درگیری موفقیت‌آمیز با هواپیماهای رافال فرانسوی مستقر شده اند، عمق ستراتیژیک این همکاری را برجسته کرده است. این موضوع توجه بین‌المللی فراوانی را، هم در رسانه‌ها و هم در سایر زمینه‌ها، به خود جلب کرده است. این نمایش هم‌سوئی، به ویژه با توجه به تشنج‌های اخیر در روابط دوجانبه پاکستان و چین، از جمله حملات به منافع و پروژه‌های زیرساختی چین در پاکستان، قابل توجه است.

«نتیجه جنگ هند و پاکستان به این معنی بود که واشینگتن باید در ستراتیژی خود تجدیدنظر کند»

با توجه به این‌که پاکستان تقریباً ۸۰ درصد از سلاح‌های خود را – که شامل همکاری در زمینه فن‌آوری نظامی نیز می‌شود – از بیجینگ وارد می‌کند، این تأمین سلاح به اسلام‌آباد کمک می‌کند تا تعادل قدرت را در مقابل دهلی نو حفظ کند. علاوه بر این، سیاست چین همچنین با تمایل آن برای ایجاد تعادل در تلاش‌های امریکا برای تقویت هند در برابر چین انگیزه گرفته است. اتفاقاً، تنها چند روز پیش از جنگ اخیر بود که معاون رئیس‌جمهور ایالات متحده برای بحث در مورد راه‌های مقابله جمعی با چین در هند بود. اما حمایت چین از پاکستان به این معنا بود که دهلی نو از نظر ستراتیژیک بیشتر به پاکستان مشغول است تا چین. با این جنگ، تمرکز دهلی نو حداقل برای چند سال آینده بیشتر بر اسلام‌آباد خواهد بود تا چین. به همین ترتیب، چین به احتمال زیاد به کمک به پاکستان برای توسعه توانایی دفاعی خود

ادامه خواهد داد. حتی قبل از وقوع جنگ، گزارش‌های رسانه‌ها در پاکستان و چین از مذاکرات جاری بین بیجینگ و اسلام آباد برای خرید جت‌های جنگنده نسل پنجم جی-۳۵ خبر می‌داد.

این تحولات حداقل چهار نکته اساسی را برجسته می‌کند.

اول، فن‌آوری دفاعی چین – که احتمالاً برای اولین بار در نبرد واقعی آزمایش شده است – به اندازه کافی مؤثر بوده است که توجه سایر قدرت‌های منطقه‌ای را به خود جلب کند. عملکرد اثبات شده آن می‌تواند این کشورها را به خرید و ادغام سیستم‌های چینی در ارتش‌های خود ترغیب کند. این امر به نوبه خود، موقعیت چین را در بازار تسلیحات منطقه‌ای تقویت کرده و به آن کمک می‌کند تا از صادرکنندگان دفاعی رقیب پیشی گیرد.

دوم، تمایل چین به صادرات فن‌آوری پیشرفته نظامی – مانند راکت پی ال-۱۵ و جنگنده‌های جی-۳۵ – نشان دهنده یک هدف ستراتیژیک گسترده‌تر برای تعمیق مشارکت‌های جهانی آن است. این رویکرد با اتحاد «بدون محدودیت» بیجینگ با مسکو سازگار است.

سوم، اثربخشی اثبات شده تسلیحات چینی علیه هند می‌تواند کشورهای منطقه‌ای را به ارزیابی مجدد هم‌سوئی‌های سیاست خارجی خود تشویق کند و به طور بالقوه باعث تقویت همگرایی عمیق‌تر با بیجینگ بر سر دهلی نو شود. این روند در حال حاضر در کشورهایی مانند سریلانکا و مالدیو مشهود است، جایی که تغییرات سیاسی طرفدار بیجینگ شتاب گرفته است – به ویژه در مالدیو، جایی که دولت جدید نیروهای هندی را مجبور به عقب‌نشینی کرد.

چهارم، موفقیت‌های نظامی پاکستان در این درگیری، یک روایت رایج در گفتمان جهانی را زیر سؤال می‌برد: این‌که مشارکت با چین ناگزیر به «تله‌های بدهی» اقتصادی منجر می‌شود. به عکس، به نظر می‌رسد روابط اقتصادی پاکستان با چین، پایه و اساس همکاری قوی نظامی را بنا نهاده است و نشان می‌دهد که چگونه یکپارچگی اقتصادی می‌تواند از هم‌سوئی ستراتیژیک گسترده‌تر پشتیبانی کند.

جایگاه هند در حلقه واشینگتن

آیا واشینگتن هنوز هم می‌تواند – با اعتماد به نفس کافی – هند را به عنوان متحد اصلی خود تحت فشار قرار دهد؟ واقعیت عینی جایگاه هند در مذاکرات امنیتی چهارجانبه (هند، امریکا، جاپان و استرالیا م.) به رهبری ایالات متحده چیست؟ اگر قرار باشد این جریان به یک اتحاد نظامی چهارجانبه تبدیل شود، تنها قدرتی در منطقه که ایالات متحده انتظار داشت به تنهایی در برابر چین مؤثر باشد، هند است/ بوده است نه فقط به این دلیل که هند و چین سابقه طولانی رقابت دارند، بلکه به این دلیل که هند همچنان یک قدرت نظامی بزرگ است. نیازی به گفتن نیست که هند تنها قدرت هسته‌ای عضو گروه چهارگانه در منطقه هند و اقیانوس آرام است. از این بابت، می‌تواند بازدارندگی در برابر بیجینگ را حفظ کند. اما همان‌طور که از درگیری اخیر مشهود است، بازدارندگی هسته‌ای می‌تواند مانع یک جنگ هسته‌ای شود، ولی لزوماً نمی‌تواند از درگیری متعارف جلوگیری کند. آیا هند می‌تواند به عنوان متحد خط مقدم واشینگتن در منطقه در یک جنگ متعارف عمل کند؟

نتیجه مذاکرات هند و پاکستان به این معنا بود که واشینگتن باید در ستراتیژی خود تجدیدنظر کند. این می‌تواند دو شکل داشته باشد. اول بسیار محتمل است که واشینگتن همکاری خود را با دهلی نو تعمیق بخشد. دونالد ترامپ پیش از این پیشنهاد فروش جنگنده‌های نسل پنجم رادارگریز اف-۳۵ را داده است. (همچنین روسیه به دهلی نو پیشنهاد فروش جت‌های نسل پنجم اس یو-۵۷ خود را داده است) با این حال، این امر ناگزیر مستلزم تعمیق همکاری چین با پاکستان خواهد بود. در نتیجه موجب یک مسابقه تسلیحاتی در منطقه خواهد شد.

دوم، مسیر استراتژیک برای واشینگتن می‌تواند شامل تجدید تعامل با چین باشد. اگرچه زمان مذاکرات تجاری دولت ترمپ با بیجینگ ممکن است کاملاً تصادفی با نتیجه درگیری هند و پاکستان همزمان شده باشد، با این وجود نشان می‌دهد که حتی یک دولت تهاجمی نیز مذاکره را به عنوان ابزاری ترجیحی به طور کامل رد نکرده است. واشینگتن همچنین ممکن است یک رویکرد دوگانه را دنبال کند - تعامل با چین و همزمان تقویت اتحادهای نظامی در جاهای دیگر.

با این حال، در پی تغییر پویایی‌ها پس از درگیری هند و پاکستان، امریکا احتمالاً نیاز به ارزیابی مجدد استراتژی منطقه‌ای خود و بررسی گزینه‌های جایگزین برای هند خواهد داشت. برای نمونه، جاپان به عنوان یک جایگزین قوی ظاهر می‌شود. توکیو با تلاش اخیر خود برای عادی‌سازی نظامی و اشتیاق روزافزون برای تعامل استراتژیک عمیق‌تر، می‌تواند به شریک برجسته‌تری در معماری امنیتی هند و اقیانوس آرام امریکا تبدیل شود.

برای روشن شدن موضوع، این به معنای گسست اساسی در روابط امریکا و هند نیست. اما به طور فزاینده‌ای احتمال دارد که واشینگتن نقش هند را تحت بررسی دقیق قرار دهد و به طور بالقوه جایگاه آن را به عنوان متحد اصلی خط مقدم در مقابله با چین بازتعریف کند. در پاسخ به نفوذ و دسترسی نظامی فزاینده چین، امریکا باید به عنوان بخشی از یک بازآرایی استراتژیک گسترده‌تر، قابلیت‌های دفاعی سایر بازیگران منطقه‌ای - به ویژه جاپان و استرالیا - را به طور قابل توجهی تقویت کند.

۲۴ مه ۲۰۲۵

تارنگاشت عدالت